

# نظریه پردازی و مقیاس سازی برای

## سنجش نظام ارزشی

به منظور بررسی

تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش آموزان نوجوان ایران

دکتر حسین لطف آبادی \*

وحیده نوروژی \*\*

چکیده

از آنجا که ارزشهای فرهنگ آنگلو- ساکسون، با عنوان ارزشهای جهانی، به همه جای دنیا و از جمله در کشور ما رواج روزافزونی یافته، این پژوهش در پی آن بوده است که نظام ارزشی دانش-آموزان نوجوان ایرانی را، که اساسی ترین لایه های شخصیت و هویت آنان و شکل دهنده پایه های نظام نگرشی و رفتاری آنان است، و نیز تأثیر جهانی شدن بر این ارزشها را مورد مطالعه قرار دهد.

مبنای نظری اصلی نظام ارزشی در این پژوهش آن است که اساسی ترین ارزشهای فرهنگ ایرانی را در مقابل ارزشهای مقابل آن قرار دهد و، با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه و پس از دستیابی به یک نظام ارزشی فراگیر، نشان دهد که نوجوانان دانش آموز ایرانی، بر حسب نزدیکی یا دوری از فرهنگ اصیل ملی خود چه جایگاهی دارند. برای ساختن مقیاس سنجش نظام ارزشی نیز سعی کرده ایم با بهره گیری از مطالعات و مقیاس سازیهای روان سنجی، ابزار بومی مناسبی تهیه و این مقیاس را روایی-یابی کنیم.

---

\* استاد روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* پژوهشگر و کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

بر این اساس، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر نحوه نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش-دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت ملی آنان"، ابزاری برای سنجش نظام ارزشی ساخته‌ایم. روایی‌یابی این مقیاس، هم با استفاده از نظر متخصصان روی یکایک گویه‌های آن، هم با اجرای مقیاس روی یک نمونه آزمایشی ۵۶۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی و هم با مطالعات تحلیل عاملی روی نتایج حاصله، صورت گرفته است. در این مقیاس، ده ترجیح در نظام ارزشی و نیز محتوا و شدت جهت‌گیری ارزشی در ده مقوله ارزشهای فردی، ارزشهای خانوادگی، ارزشهای اقتصادی، ارزشهای سیاسی، ارزشهای اجتماعی، ارزشهای هنری، ارزشهای علمی و نظری، ارزشهای دینی، ارزشهای ملی، و ارزشهای جهانی‌سازی مشخص شده است. در این مقاله، پس از توضیح و تبیین مفاهیم جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، و نظام ارزشی، مقیاسی را که برای "سنجش نظام ارزشی" ساخته‌ایم، ارائه کرده، نتیجه مطالعات روایی‌یابی و پایایی این مقیاس را توضیح داده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، آزمون‌سازی، نظام ارزشی، هویت، دانش‌آموزان

## **Theory-making and Scale-creating for assessing the value system of high school students**

**Hossein Lotfabadi (Ph. D.) & Vahideh Nowroozi (M. A.)**

### **Abstract**

The value system, or the desired and internal qualities within ones psychological structure, is the main layers of a person's personality and identity which forms the basis of his/her attitude system and behavior. Modern studies on the individuals' value systems are mostly conducted by the social and educational psychologists of the west countries and based by and large on the Anglo-Saxon understanding of human life. These studies on value system have considered neither eastern philosophy of life nor the Iranian culture into account and, therefore, we may not necessarily recognize them as a legitimate global value system. It is necessary, consequently, to investigate the quality of value system of Iranians (specifically high-school students) and inquire the influence of their attitudes toward "globalization" on their value system.

The theoretical basis of studying the value system of our adolescents and youths is to face the main values of Iranian culture in opposition to their counter values to discover how much their value systems are in close proximity to their classical culture. On this basis, in the first part of our study entitled "Investigating the status of Iranian high-school & pre-university students' attitude toward

globalization and its effect on their value system and their national identity", we have applied psycho-educational assessment techniques and created an indigenous scale for assessing value system. The validation of our scale has been conducted by means of two procedures: investigating content validity of the scale by asking professionals to value the relevance of each and all 135 items; and conducting a pilot study on a sample of students of grades 9, 10, 11, and 12 and applying factor analysis to investigate the construct validity of the scale. Our validity justification studies showed that ten categories of individual values, family values, economic values, political values, social values, artistic values, scientific and theoretical values, religious identity values, national identity values, and globalizing values might be distinguished in our value system assessment scale.

**Keywords:** Globalization, Globalizing, Value System, Scale-making, Identity, and Iranian Students

### جهانی‌شدن و تأثیر آن بر نظام ارزشی جوانان

نگاهی گذرا به تحولات چند دهه اخیر در جهان نشان می‌دهد که تغییراتی بسیار عمیق در باورها و ارزشها و سبک زندگی مردم جهان به وقوع پیوسته است و گسترش جهانی این تغییرات دامنه و شدت بیشتری می‌یابد. این تغییرات که ناشی از تحولات سیاسی و اقتصادی جهان در عصر حاضر است، متقابلاً تأثیری عظیم بر جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و فرهنگی به جای می‌گذارد. تحقیقات علمی نیز مؤید این حقیقت است (اینگلهارت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). مثلاً تحقیقی که با عنوان "مطالعات ارزشهای جهانی"<sup>۲</sup> در چهار نوبت در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، و ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به بررسی ارزشها و باورهای مردم تمام قاره‌های مسکون جهان پرداخته است (که شامل ۶۰ کشور و دربرگیرنده ۷۵ درصد جمعیت جهان و از انواع متفاوت جوامع فقیر و غنی و از نژادها و فرهنگها و تمدنهای گوناگون است)، حاکی از تغییرات بزرگ در ارزشهای مردم جهان است. این تحقیقات بیانگر تحولی نظامدار در ارزشها و باورهای مردم جهان و بازتاب تغییرات اقتصادی و فناوریهای صنعتی و نقش رسانه‌های مسلط جهانی در گسترش ارزشهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورهای پیشرفته صنعتی است.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، هر فردی علاوه بر تأثیراتی که از خانواده و فرهنگ و جامعه خود می‌گیرد متأثر از مناسبات جهانی نیز هست. در این میان به‌خصوص ارزشهای فرهنگ مسلط

---

<sup>۱</sup> - Inglehart, Ronald

<sup>۲</sup> - World Values Surveys

آنگلو- ساکسون، که نام فرهنگ جهانی را بر خود گذاشته است، بیشترین تأثیر را بر مردم و جوانان می‌گذارد (پائولا فاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳ و فیزرستون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵).

چالش جهانی شدن که در نیمه اول قرن بیستم به حوزه‌های سیاسی و نظامی محدود بود در نیمه دوم این قرن به حوزه اقتصاد و حقوق نیز کشیده شده و به تدریج به فرهنگ و تربیت و سایر جنبه‌های زندگی انسان سرایت کرده است (برک‌هید<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ بوکووانسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ و بربولس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). واقعیت این است که در عصر حاضر، آن طور که تحقیقات (کارنوی و راتن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ دان<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲؛ و سویتینگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد، بسیاری از کتابها و ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی در مدارس جهان، کتابخانه‌ها، رسانه‌های گروهی، و صدها میلیون سایتهای اینترنتی نیز در حال اشاعه دیدگاههای فراملی در میان کودکان و نوجوانان و جوانان و سایر مردم جهان هستند و دانش‌آموزان ما نیز به شدت در معرض این دیدگاهها قرار دارند و در فرآیند جهانی شدن وارد شده و می‌شوند. در چنین شرایطی ما باید در مورد نگرش نوجوانان و جوانان ایران به پدیده جهانی شدن و تأثیر این نگرش در نظام ارزشی و هویت آنان حساسیت کافی نشان دهیم و آموزش و پرورش و سایر نهادهای فرهنگی کشور خود را برای پاسخگویی مناسب نسبت به این چالش عظیم جهانی آماده سازیم. هدف ما این است که بینیم نگرشهای ارزشی و هویت ملی دانش‌آموزان نوجوان و جوان ایرانی تا چه اندازه متأثر از دو نوع نگرش متفاوت به مقوله جهانی شدن (یعنی پذیرش جهانی سازی یا نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر و ایفای نقش مؤثر و نگرش فعال یا تکثرگرای در جریان طبیعی جهانی شدن) است و این تفاوتها بر کدام زمینه‌هایی در میان گروههای گوناگون دانش‌آموزان دبیرستانی استوار است.

از آنجا که، جدا از عواقب اقتصادی و سیاسی "جهانی شدن و جهانی سازی"، آثار فرهنگی و اجتماعی این پدیده در کشور، خاصه در میان گروههای قابل توجهی از نوجوانان و جوانان، کاملاً محسوس است، ضرورت دارد که هر دو جنبه این موضوع بسیار مهم (یعنی هم جهانی شدن و هم جهانی سازی) مورد توجه جدی ما قرار گیرد و اندیشه‌ها و عملکردهای خود در این موارد را بر

1 - Fass, Paula

2 - Featherstone

3 - Birkhead

4 - Bukovansky

5 - Burbules, Nicholas C. and Torres, Carlos Alberto

6 - Carnoy & Rhoten

7 - Daun

8 - Sweeting

یافته‌های دقیق علمی استوار سازیم. با بهره‌گیری از دانش عینی برگرفته از پژوهش‌های علمی است که می‌توان از سردرگمی‌های موجود بیرون آمد و در جهت هدایت نوجوانان و جوانان دانش‌آموز در راستای برخورد فعال در قبال پدیده جهانی شدن، واکنش مناسب نشان داد.

در واکنش به مسأله جهانی شدن، سه گزینه پیش روی ماست: یکی آنکه خود را در وضعیتی منفعل به مقتضیات "جهانی‌سازی" بسپاریم؛ دیگر آنکه خود را از جهان و مناسبات جهانی جدا کنیم و چشم به راه تنهایی پیش روی خودمان باشیم؛ و انتخاب سوم آن است که هم به‌صورتی فعال در مناسبات جهانی قرار بگیریم و هم با حفظ تمامیت و استقلال کشور و ویژگی‌های ملی خود راه عزت و اقتدار را در جهان معاصر طی کنیم و نقش مثبت و مؤثر خود را نیز در مناسبات جهانی ایفا نماییم. به نظر ما، همین گزینه سوم است که با مصالح ملی و رشد و پیشرفت کشور ما هماهنگی دارد.

با توجه به نکات فوق، مبنای نظری پژوهش ما آن است که دانش‌آموزان نوجوان و جوان ما نمی‌توانند راه دوم را برگزینند و خود را از جهان جدا کنند، بلکه ناچارند یکی از دو راه اول یا سوم را انتخاب نمایند. آنان که روحیات منفعل و تسلیم‌پذیری دارند، عموماً مدافع راه اول هستند و آنان که به هویت فرهنگی و ملی خود نیز اهمیت می‌دهند راه سوم را انتخاب می‌کنند. مسأله این گروه اخیر آن است که در نگرش خود به پدیده جهانی شدن، نشان می‌دهند که باید هم جهانی باشند و هم ارزشها و هویت خویش را نگهداری و تقویت کنند و بر جهان انسانی اثر بگذارند. از چنین دیدگاهی است که در تحقیق ما دو نوع نگرش اصلی به این پدیده جهانی (نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر در مقابل نگرش فعال و تکتگرایی) مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بینیم نحوه نگرش به آن چه آثاری در نظام ارزشی نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما دارد و ما چه واکنشی در برابر آن باید داشته باشیم.

### نظام ارزشی در فرهنگهای گوناگون

نظام ارزشی مردم نه در طول تاریخ، نه در جوامع و فرهنگهای گوناگون و نه نزد افراد، ثابت و یکسان نمانده است. نظام ارزشی از دیدگاه ایدئولوژیهای گوناگون نیز متفاوت است (جورج تاماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). اگر نگاهی به فرهنگهای باستانی (مثلاً در مصر و چین و هند و ایران و روم) بیندازیم، خواهیم دید که نظام ارزشی مردمان این فرهنگها متفاوت است. در یک فرهنگ واحد نیز

<sup>۱</sup> - Thomas, George

این ارزشها در طول تاریخ تغییرات وسیعی کرده است. مثلاً در غرب، زمانی که تمدن روم باستان در اوج قدرت خود بود، ارزشهای اقتصادی و اجتماعی و نظامی بیشترین اهمیت را داشت. همین تمدن در قرون وسطی به ارزشهایی دیگر روی آورد که عمدتاً جنبه‌های دینی داشتند و درک و فهم ویژه‌ای از معنویت را در محور زندگی مردم قرار داده بودند. مجدداً از عهد رنسانس تا به حال، ارزشهای اقتصادی و اجتماعی است که سبک زندگی مردم در تمدن غرب را جهت می‌دهد. در یک زمان معین نیز ارزشها در میان گروههای گوناگون مردم متفاوت‌اند. مثلاً ارزشهای حاکم بر زندگی مردم روستاها متفاوت از ارزشهای شهرنشینان است. یکی بر ارزشهای درونی تأکیدی بیشتر دارد و دیگری به ارزشهای بیرونی و عینی اهمیت بیشتر می‌دهد. جوامع بسته و باز نیز ارزشهای واحدی ندارند. همچنین، ارزشهای مردم گروههای سنی مختلف، مردان و زنان، تحصیلکرده‌ها و بیسوادان، و طبقات ثروتمند و فقیر، متفاوت‌اند.

در عصر حاضر نیز با تفاوت‌هایی قابل توجه در نظام ارزشی مردم کشورهای گوناگون جهان مواجه هستیم (ویت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰ و ردنی هال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). این تفاوتها بر اساس معیارهای سنجش نظام ارزشی در فرهنگهای گوناگون مورد مطالعه قرار می‌گیرند. یکی از این مجموعه معیارها که هافستد<sup>۳</sup> ارائه کرده، پنج جنبه اساسی را مورد توجه قرار داده است که عبارتند از: (۱) فاصله قدرت با مردم (به این معنا که وقتی برابری در جامعه بیشتر باشد، این فاصله کمتر است). (۲) فردیت در مقابل جمع‌گرایی (که در این مورد فردیت به معنای اتکای به خود و نهادن ارزشها و مسؤولیت اصلی بر خود و جمع‌گرایی به معنای تأکید بر علائق عمومی و همراهی و هم‌رنگی با دیگران و مشارکت و وابستگی به یکدیگر است). (۳) کمیت زندگی در مقابل کیفیت زندگی (نگاه صرفاً اقتصادی در مقابل نگاه اجتماعی و فرهنگی به زندگی). (۴) اجتناب از بی‌ساختاری (به این معنا که جامعه بی‌ساختار مملو از هرج و مرج و اضطراب و فشار و پرخاشگری است). و (۵) جهت‌گیری کوتاه‌مدت در مقابل جهت‌گیری بلندمدت (که جهت‌گیری درازمدت در جامعه باعث توجه به موقعیتهای حال و آینده و اهمیت دادن به برنامه‌ها و دوراندیشی و آینده‌نگری است، اما جامعه‌ای که جهت‌گیریهای کوتاه‌مدت دارد عمدتاً به گذشته و حال مشغول است و با سنت‌گرایی افراطی تابع اجبارهای زمان حال می‌شود).

1 - Witte

2 - Hall, Rodney

3 - Hofstede's dimensions for assessing cultural values

در مطالعاتی که چنی و مارتین<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) صورت داده‌اند، نشان داده شده که ارزشهای مردم کشورهای گوناگون متفاوت از یکدیگر است. در این مطالعات ارزشهای غالب در میان مردم آلمان، امریکا، انگلیس، ژاپن، کشورهای عربی، فرانسه، کانادا، و مکزیک مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، در جامعه آلمان، که دارای ۳۶ درصد پروتستان و ۳۵ درصد طرفدار کلیسای کاتولیک روم است، مردان مسلط بر امور اجتماعی و اقتصادی هستند و زنان جایگاهی مهم در مشاغل و شرکتها ندارند. همچنین، فردگرایی در آلمان، در مقایسه با کشورهای انگلیسی‌زبان، حالت متعادلتری دارد. از سوی دیگر، ارزشهای غالب در میان مردم امریکا اساساً مبتنی بر فردگرایی، واگذارکردن امور اجتماعی و اقتصادی به صنایع و شرکتهای بزرگ و تجاری و دولت، فایده‌گرایی و اتکای به خود، جاه‌طلبی و لذت‌جویی، جدا بودن دین از دولت، و سخت‌کوشی و اشتغال‌مدام به کار است (هم در میان مردان و هم در میان دو سوم از زنان که به کار در بیرون از خانه می‌پردازند). در انگلیس نیز، که جامعه‌ای کاملاً فردگرا و منفعت‌طلب است، پنهان کردن ارزشهای سودجویانه و ابزاری و تظاهر به برابری حقوق بشر و ادب و تمدن رواج دارد. مذهب و دولت نیز در این کشور واقعاً جدا از یکدیگرند اما در ظاهر کلیسای انگلیسی‌انگلیکن<sup>۲</sup> است که مذهب دولتی به حساب می‌آید. همچنین مردان انگلیسی، در مقایسه با زنان، جایگاهی بسیار بالاتر در مشاغل اقتصادی و سیاسی دارند.

ارزشهای مردم ژاپن، رنگ و بوی دیگری دارد. تعلق متقابل به جای فردیت، هماهنگی گروهی و کار و مسؤولیت جمعی، اهمیت ارشدیت افراد، و رعایت سنن اصلی مذهبی شیئتوئیسم و بودیسم رواج عام دارد. همچنین، اگر چه ۴۰ درصد زنان ژاپنی بیرون از خانه کار می‌کنند، اما فقط یک درصد زنان ژاپنی در مشاغل بالای اقتصادی و تجاری جایگاهی یافته‌اند. ارزشهایی که در مطالعات مذکور در باره عربها بیان شده است عبارت از اهمیت امنیت خانواده، هماهنگی در خانواده و نقش اساسی والدین و فرماندهی پدر، ارشدیت سنی، اهمیت قدرت و ثروت در مناسبات اجتماعی، و تأثیر مذهب در همه ارکان زندگی است. بنا بر این تحقیقات، مردم فرانسه، کمتر از مردم کشورهای انگلیسی‌زبان فردیت‌گرایی دارند و شدیداً طالب پیشرفت در چارچوبهای اصولی ارزشهای مبتنی بر آزادی و برابری فرانسوی هستند. اکثر مردم فرانسه طرفدار مذهب کاتولیک روم هستند و در مقایسه با کشورهای انگلیسی‌زبان توجه نسبی بیشتری به ارزشهای مذهبی نشان می‌دهند. زنان فرانسوی جایگاهی مهم در مشاغل اقتصادی بزرگ ندارند اما زنان سایر کشورها که موقعیت تجاری مهمی دارند مورد قبول فرانسویان هستند. در میان مردم کانادا، به ویژه

<sup>۱</sup> - Chaney & Martin

<sup>۲</sup> - Anglican Church of England

بخش مسلط انگلیسی‌زبان آن، ارزشهای متفاوتی رایج است. ویژگی مهم آنان اهمیت پول و مادی-گری، اهمیت نظم و قدرت، فارغ بودن از اهداف معنوی، خودمختاری ارزشی، و اجتناب از اصولگرایی است. کار زیاد بیرون از خانه، هم در میان مردان و هم زنان، ویژگی دیگر آنان است و زنان جایگاهی مهم در بخش خصوصی و دولتی دارند. در این کشور، اگر چه دین از دولت جداست اما، مذهب کاتولیک دارای تسلط نسبی است و، همانند امریکا، یهودیان دارای نقش اساسی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ و رسانه‌های گروهی هستند. ارزشهای مردم مکزیک بسیار متفاوت از ارزشهایی است که در میان مردم کشورهای پیشرفته صنعتی شاهد هستیم. مردم مکزیک نیز جمع‌گرا هستند و بر اهمیت خانواده تأکید دارند اما سنن جاهل منشی، بخصوص در میان مردم طبقات پایین، رواج وسیعی دارد. فردیت نوع امریکایی در میان مردم مکزیک رایج نیست و (هرچند نه به اندازه مردم کولومبیا، ونزوئلا، پاناما، اکوادور، و گواتمالا که مفهوم چندان روشنی از فردیت ندارند) در درجات پایین فردیت‌طلبی قرار می‌گیرند.

همان‌طور که ملاحظه شد در میان مردم متعلق به فرهنگهای گوناگون، ارزشها از جهاتی مشترک، از جهاتی متعارض، و عموماً متفاوت از یکدیگرند. مسلماً هر فرهنگ و هر کشور قدرتمند یا معدودی از کشورها که منافع مشترکی دارند، همان گونه که در طول تاریخ نیز چنین بوده است، سعی می‌کنند فرهنگ و ارزشهای خود را به شکلهای مختلف پوششهای گوناگون به سایر کشورها تحمیل کنند، لیکن این امر به معنای حقانیت آن فرهنگ و آن ارزشها نیست. در عصر حاضر شاهد سلطه‌جویی فرهنگ آنگلو-ساکسون (متعلق به کشورهای پیشرفته صنعتی انگلیسی-زبان) هستیم که به دلیل داشتن قدرت عظیم اقتصادی و نظامی و رسانه‌ای این کشورها، داعیه ارزشهای جهانی را دارند و تلاش حریصانه‌ای برای جهانی‌سازی ارزشهای خود، که متضمن کسب منافع و برتری آنان نیز هست، از خود نشان می‌دهند.

مردم و جوانان عموماً تمایل دارند که ارزشهای مورد قبول خود را آزادانه و از میان موارد گوناگون و بر اساس تمایل و تفکر خود انتخاب کنند و سبک زندگی خویش را با کمک این ارزشها سامان دهند لیکن، همیشه چنین بوده و اکنون نیز چنین است که، از جانب دیگران برای پذیرش ارزشهای معین تحت فشارهای مستقیم و غیرمستقیم و تبلیغات گوناگون جهانی قرار می‌گیرند. نظام ارزشی مردم و جوانان کشور ما نیز در حال حاضر به طرق گوناگون در معرض این-گونه تأثیرات "جهانی" است.



نظام ارزشی، یا مجموعه کیفیتهای مطلوب و درونی در ساختار روان‌شناختی افراد، به عنوان درون‌ترین لایه‌های شخصیت و هویت، شکل‌دهنده پایه‌های نظام نگرشی و رفتاری است. هر یک از ارزشها را که دارای جنبه‌های گوناگون شناختی و عاطفی و رفتاری است، می‌توان شکل‌دهنده پایه‌های سبک زندگی فرد دانست که دارای بیشترین تأثیر در کنشها و واکنشهای او است. این ارزشها در بعد روان‌شناختی مهمترین منبع و نیروی محرک برای جهت‌گیری و درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید و هدفها و نگرشها است که فرد در جریان رشد و جامعه‌پذیری به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد و از این طریق احساس رضایت می‌کند.

هر یک از ارزشها را می‌توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاصی از رفتار یا هدف نهایی او در زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل نوعی دیگر از رفتار یا مقاصد دیگر از زندگی، قابل ترجیح است. این ارزشها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد: ارزشهای عمومی پایه‌ای، ارزشهای معطوف به هدف، و ارزشهای ابزاری. ارزشهای نوع اول دارای ثبات بیشتر، مورد اتکای بیشتر، و دارای مجموعه‌ای از ویژگیهای انتزاعی هستند (مانند حقیقت‌جویی و زیبایی - دوستی) که در هسته اصلی نظام ارزشی قرار می‌گیرند و در بروز دو نوع دیگر از ارزشها نیز مؤثرند. ارزشهای معطوف به هدف، ارزشهایی هستند که مطلوبهای عینی زندگی فرد (مثلاً برخورداری از یک جایگاه اجتماعی معین) را نشان می‌دهند. ارزشهای نوع سوم، یا ارزشهای ابزاری، ارزشهایی هستند (مانند مدرک تحصیلی) که وسیله دستیابی به هدفها و موقعیتهای مطلوب قرار می‌گیرند. در این مقاله، وقتی که از نظام ارزشی صحبت می‌کنیم عموماً ارزشهای نوع اول، یعنی مجموعه ساختاریافته و درهم‌پیچیده ارزشهای عمومی پایه‌ای را در نظر داریم.

به نوشته هانس زتربرگ (۱۹۹۷)<sup>۱</sup>، برخی از جامعه‌شناسان، مانند ماکس وبر<sup>۲</sup>، یک نظام شش ارزشی اقتصادی، سیاسی، علمی و نظری، مذهبی، هنری، و خانوادگی را که نظام‌بخش زندگی هستند برشمرده‌اند. این ارزشها بر اساس اولویت توجه به ثروت، نظم و قدرت، حقیقت، امور معنوی، زیبایی، و صمیمیت تعیین می‌شوند. فرض اساسی این بود که ثروت بر فقر، نظم و قدرت بر آشفتگی و ناتوانی، دانش و حقیقت بر جهل و خطا، زندگی متعالی بر زندگی غیرمعنی‌دار، زیبایی بر زشتی، و صمیمیت بر تنهایی برتری دارد. این طبقه‌بندی ارزشی را با تغییراتی، یکی از

<sup>۱</sup> - Zetterberg, Hans

<sup>۲</sup> - Max Weber

فیلسوفان آلمان به نام ادوارد اشپرانگر<sup>۱</sup> نیز در مقاله "تیپهای افراد" معرفی کرده است. اشپرانگر معتقد بود که شخصیت افراد را قبل از هر چیز باید از طریق نظام ارزشی آنان شناسایی کرد.

طبقه‌بندی ارزشی اشپرانگر را بعداً روان‌شناسانی چون گوردون آلپورت، فیلیپ ورنون، و گاردنر لیندزی<sup>۲</sup> در تهیه آزمون مطالعه ارزشها مورد استفاده قرار دادند. این آزمون که برای اندازه‌گیری شش انگیزه یا علاقه پایه‌ای افراد پانزده سال به بالا طراحی شده است، قدرت نسبی هر یک از شش انگیزه یا علاقه اساسی شخصی (نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی، و مذهبی) را می‌سنجد. نمره‌گذاری این آزمون، شش نمره را (برای شش ارزش مذکور) به دست می‌دهد. مطالعه پایایی آزمون آلپورت، ورنون، و لیندزی دو بار در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۷ صورت گرفت. مطالعه روایی پیش‌بین در این آزمون نیز با توجه به انتخاب رشته تحصیلی و مشاغل افراد انجام شد و پس از اجرای آن روی یک نمونه ۱۸۱۶ نفری، هنجاریابی شد و در سال ۱۹۶۰ انتشار یافت. فرم فارسی این آزمون را شادروان دکتر محمدنقی براهنی تهیه کرده است. آزمونهای دیگری چون مقیاس بررسی ارزشی راکیچ<sup>۳</sup>، مقیاس بررسی ارزشی اینگلههارت<sup>۴</sup> و مقیاس ارزشی مک-گاوان<sup>۵</sup> (۱۹۹۸)، نیز برای سنجش نظام ارزشی وجود دارد که هم به منظور اجتناب از طولانی‌شدن کلام و هم به دلیل کمی اهمیت، از توضیح آنها خودداری می‌کنیم.

سؤال اصلی که در جریان طراحی "مقیاس سنجش نظام ارزشی" در پژوهش ما به وجود آمده این است که آیا نظام ارزشی شامل همان شش ارزشی است که ماکس وبر ارائه کرده است، یا شش ارزش مورد نظر ادوارد اشپرانگر و آلپورت و ورنون و لیندزی را باید پذیرفت، یا می‌توان نظام ارزشی کاملتری را ارائه کرد که معرف ارزشهای پایه‌ای موجود در هسته مرکزی تمام باورها و نگرشها و نظام رفتاری مردم و جوانان ما در عصر حاضر و در شرایط جهانی شدن باشد. ما همین نگرش آخر را برای پاسخگویی به کشف نظام ارزشی اختیار کرده‌ایم. فرض اساسی ما در تعیین ارزشهای هسته‌ای این است که این ارزشها باید دربرگیرنده عناصر اصلی باورها و نگرشها، دارای ثبات بیشتر، مورد اتکای بیشتر، و دارای مجموعه‌ای از ویژگیهای انتزاعی باشد که در بروز انواع ارزشهای معطوف به هدف و ارزشهای ابزاری نقش دارند. به بیان دیگر، از آنجا که ارزشها دربرگیرنده ترجیحهایی اعتقادی و شناختی و عاطفی و رفتاری و حاکی از باورها و نگرشهای

<sup>۱</sup> - Edward Spranger

<sup>۲</sup> - Allport, Gordon W. ; Wernon, Philip E.; & Lindsey, Gardner

<sup>۳</sup> - Rokeach

<sup>۴</sup> - Inglehart, Ronald

<sup>۵</sup> - McGowen Value Scale

ریشه‌دار و اساسی فرد و محرک سبک زندگی و هدفهای نهایی و موقعیتی اوست و نیز از آن جهت که ارزشها ریشه در طبیعت انسان و در تأثیرات خانواده و فرهنگ و آموزش و مناسبات گوناگون اجتماعی و رسانه‌ای و عملکرد نهادهای ملی و جهانی دارد، ضروری است مؤلفه‌هایی را در سلسله مراتب نظام ارزشی وارد کنیم که دربرگیرنده همه این جوانب گوناگون باشند. مجموعه مطالعات و مشاوره‌های تخصصی و دریافتهای ما از مفاهیم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و فلسفی در موضوع مورد بحث این نتیجه را به بار آورده است که نظام ارزشی مورد نظر، مجموعه‌ای ده ارزشی را به شرح زیر شامل شود:

ارزشهای فردی، ارزشهای خانوادگی، ارزشهای اقتصادی، ارزشهای سیاسی، ارزشهای اجتماعی، ارزشهای هنری، ارزشهای علمی و نظری، ارزشهای دینی، ارزشهای ملی، و ارزشهای جهانی. این مقوله‌های ارزشی دو قطبی (نیرومندی ارزشی و ضعف ارزشی) که در مقیاس ما مورد نظر قرار گرفته است در فعالیتهای معین شخصی، خانوادگی، بنگاههای اقتصادی، تشکیلات سیاسی، موزه‌ها و مراکز هنری، مراکز علمی و دانشگاهی، نهادهای مذهبی، نهادهای حاکمیت ملی، و در نهادها و مؤسسات بین‌المللی سازمان می‌یابد. با توجه به این دو قطب کرانه‌ای و طیف محتوایی وسیع انگیزشی و شناختی و عاطفی و رفتاری در فاصله این دو قطب از هر یک از ارزشهای مذکور است که می‌توانیم جایگاه ارزشی یک فرد یا گروه را معین کنیم و رفتار هر فرد و گروه در واکنش به هدفها و موقعیتهای مشخص را نیز پیش‌بینی نماییم.

هر یک از ارزشهای مذکور دارای محتوایی از قبیل موارد زیرند:

- ۱\* ارزشهای فردی (که بیانگر میزان فردیت‌گرایی، سودجویی شخصی، رفاه و آسایش شخصی، شادمانی، شوق زندگی، درستکاری، تعادل روانی، و ... است)
- ۲\* ارزشهای خانوادگی (حاکمی از تعلق، وفاداری، مراقبت، امنیت خانواده، و ... است).
- ۳\* ارزشهای اقتصادی (اهمیت ثروت، مالکیت، پیشرفت اقتصادی، سودمندی امور، و ... را در بر می‌گیرد).
- ۴\* ارزشهای سیاسی (شامل مسائل مربوط به قدرت و تسلط، آزادی، برابری، احزاب سیاسی، مسؤولیت شهروندی، و ... است).
- ۵\* ارزشهای اجتماعی (صمیمیت در روابط انسانی، مشارکت، قانون‌مداری، نظم اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری، نگرشهای اجتماعی، و ...).

\*۶ ارزشهای هنری (زیبایی‌دوستی، توجه به آثار هنری، آفرینش هنری، تحسین زیباییهای طبیعی، جاودانگی جمال، و ... است).

\*۷ ارزشهای علمی و نظری (حقیقت‌جویی، تجربه‌گری و استدلالی بودن، خردمندی، سازمان-دادن به معرفت، انتقادی‌نگری، و ... است).

\*۸ ارزشهای دینی (باورهای مذهبی، تجربه و عملکرد دینی، پرهیزگاری، وحدت‌جویی، گرایش عرفانی، و ... است).

\*۹ ارزشهای ملی (ایران‌دوستی، تعلق به فرهنگ ملی، امنیت ملی، دفاع از سرزمین، و ... است).

\*۱۰ ارزشهای جهانی‌شدن و جهانی‌سازی (نوع‌نگرش به مُدرنیسم، نوع‌نگرش به جهانی‌شدن، نگرش به مسأله فمینیسم، و ... است).

دیدگاه اصلی ما در موضوع این تحقیق آن است که در هر یک از ارزشهای فوق تمایزی آشکار را میان محتوای ارزشهای ایرانی با ارزشهای آنگلو-ساکسون (که در نظام جهانی‌سازی شاهد آن هستیم) می‌توان ملاحظه کرد. دیدگاه دیگر ما آن است که اصلی‌ترین پایه‌های نظام ارزشی فرهنگ ملی را در سه مجموعه، که هر مجموعه دارای دو کرانه قطبی متضاد و طیفی وسیع از حالات میانی است، می‌توان خلاصه کرد. این سه مجموعه عبارتند از باورهای مینوی در مقابل سطحی‌گرایی مادی، درستکاری در مقابل سودجویی شخصی، و خردورزی و حکمت‌گرایی در مقابل تحصلی-گرایی (یا پازیتیویسم). یافته‌های پژوهشی پیشین ما (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱) نیز حاکی از آن است که شمار وسیعی از جوانان ایران (از جمله نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی)، تحت تأثیر ارزشهای نظام اقتصادی-سیاسی-فرهنگی جهانی‌سازی، از ارزشهای فرهنگ ملی فاصله گرفته‌اند. به این دلیل است که ما دو شیوه برخورد با جهانی‌شدن در میان جوانان را (یعنی برخورد فعال که حاکی از واکنش واقع‌بینانه همراه با حفاظت و استحکام‌بخشی ارزشهای فرهنگ ملی است و برخورد منفعل که همراه با پذیرش سبک زندگی مبتنی بر ارزشهای جهانی‌سازی است) مورد مقایسه قرار می‌دهیم. مثلاً تمایل به خدمت به مردم که در شمار ارزشهای فرهنگی و ملی ما است در شرایط پذیرش ارزشهای جهانی تبدیل به تمایل به خدمت گرفتن از دیگران و سودجویی شخصی می‌شود. برخی از تحقیقات جهانی (مثلاً اینگلهارت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷) نیز به این‌گونه تفاوتها و تعارضها بین ارزشهای جهانی‌سازی با ارزشهای فرهنگهای بومی اشاره دارد.

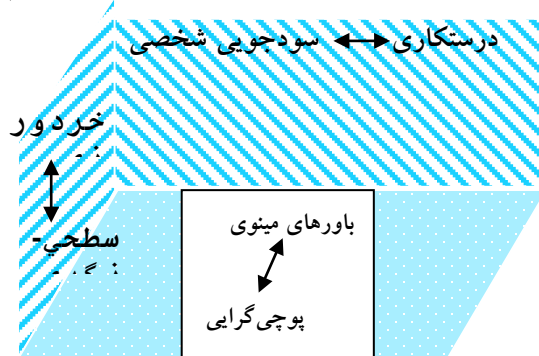
<sup>۱</sup> - Inglehart

ما به روشنی شاهد هستیم که مخصوصاً در پنجاه سال اخیر اتکاء به باورهای معنوی در فرهنگ غربی کاهش یافته و گرایشهای اقتصادی جایگزین آن شده است. مثلاً یک جامعه‌شناس شهیر سوئدی، هانس زتربرگ (۱۹۹۷، صفحه ۲۱)، می‌نویسد: "شاخصترین کاهش طولانی‌مدت در نظام ارزشی اصیل مردم کشور من، محو تدریجی اعتقادات معنوی و گسترش باورهای مادی است." درک و دریافت ما نیز این است که در حالی که ثروت و قدرت و لذت‌جویی ارزشهای اصلی فرهنگ غربی است، فرهنگ ملی ما بر حقیقت و خیر و زیبایی و بر اندیشه و گفتار و کردار نیک، به‌عنوان ارزشهای کلاسیک، مبتنی است. فرهنگ جهانی‌سازی اصول اخلاقی جاودانه و غیرمشروط را انکار می‌کند و نسبی‌گرایی و سودجویی پراگماتیستی را اساس سعادت می‌داند. در مسائل علمی، خاصه علوم انسانی، نیز تعارضی اساسی میان دیدگاههای سطحی‌نگر (که صرفاً بر حس و تجربه و فناوری اطلاعات تکیه دارد) با دیدگاههای معرفت‌شناختی فرهنگ ایرانی (که بر تجربه و خرد و حکمت مینوی تأکید می‌کند) مشاهده می‌شود. آن نوع از علوم انسانی که بر پایه مشاهدات حسی محض و محاسبات ریاضی و تحلیل‌های آماری رایانه‌ای و دیدگاههای سطحی‌نگر پازیتیویستی مبتنی باشد، متفاوت است با دانشی که پایه‌های نظری آن بر خرد و اندیشه درست و دانش حاصل از به‌کارگیری روشهای جدید تجربه علمی و نوآوری علمی استوار باشد. مبانی اخیر است که راهنمای نظریه‌پردازی ما در سنجش نظام ارزشی قرار گرفته است.

به این ترتیب، دیدگاه ما آن است که نظام ارزشی جهانی‌سازی، دست‌کم در سه بعد اساسی، متمایز از نظام ارزشی فرهنگ ایرانی است: پوچی‌گرایی و مادی‌نگری در مقابل باورهای مینوی، سودجویی شخصی در مقابل درستکاری و نوع‌دوستی، و خردورزی در مقابل سطحی‌نگری و پازیتیویسم. مسأله اساسی در تحقیق ما آن است که ببینیم نظام ارزشی جهانی‌سازی (که اساساً بر مادی‌گرایی و سودجویی شخصی، و تحصیلی‌گرایی مبتنی است) تا چه اندازه توانسته است نوجوانان دانش‌آموز ما را جلب خود کند و آنان را از نظام ارزشی و فرهنگ ایرانی (باورهای مینوی، درستکاری، و خردورزی) دور سازد. اگر، به‌عنوان مثال، سه تقابل اساسی مورد بحث را در یک شکل سه بعدی نشان دهیم می‌توانیم درکی روشتر از نظام ارزشی فرهنگ ایرانی در مقابل نظام ارزشی آنگلو-ساکسون و ارزشهای اساسی جهانی‌سازی داشته باشیم. این محتوای ارزشی در هر یک از ده مقوله ارزشی یادشده، نمودهای خاص خود را پیدا می‌کند. همچنین، می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که در دو حالت از محتوای ارزشی مذکور، با یک نظام ارزشی مطلوب و یک نظام ارزشی نامطلوب مواجه هستیم (یعنی موردی که باورهای مینوی، درستکاری، و خردورزی در کنار هم قرار می‌گیرند و موردی که پوچی‌گرایی، سودجویی شخصی، و سطحی‌نگری با هم هستند). شش حالت دیگر، و طیف وسیعی از این حالات نیز موارد کمابیش بینابینی را شامل می‌شوند و هر

مورد از آنها نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارد. نهمین حالتی که می‌توان در نظر آورد وضعیتی است که کاملاً میان دو قطب ارزشهای مطلوب و نامطلوب قرار می‌گیرد.

شکل ۱- نمایش سه بعدی محتوای کرانه‌های مطلوب و نامطلوب در نظام ارزشی



شکل ۱، نمایشی از محتوای پایه‌ای نظام ارزشی و دو حالت مطلوب و نامطلوب در نظام ارزشی را مشخص می‌سازد. این دیدگاه، که پایه نگرش به نظام ارزشی (به‌خصوص در نسبت این نظام ارزشی با مسأله جهانی‌سازی) قرار گرفته است، برگرفته از فرهنگ دیرین ایرانی است که باورهای مینوی و درستکاری و خردمندی و دانش عینی را جوهره اصلی کمال آدمی قرار داده است.

نظام ارزشی شخص در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی، و جهانی‌شدن است که با توجه به سه محتوای دو قطبی مذکور بیانگر جایگاه او است. با شناخت چنین جایگاهی است که می‌توانیم ارزشهای معطوف به هدف و ارزشهای ابزاری و رفتار هر فرد در هر موقعیت را نیز پیش‌بینی کنیم. شناخت محتوا و ابعاد مذکور در نظام ارزشی گروه‌های سنی، جنسیت، سطوح تحصیلی، وضعیت اقتصادی و غیره حاکی از تشخیص تفاوت‌های میان مردم خواهد بود و می‌توان فرضیه‌های گوناگون را در هر مورد آزمود. مثلاً می‌توان فرض کرد که محتوای ارزشی و نظام ترجیح ارزشی در میان نوجوانان دانش‌آموز متفاوت از سایر گروه‌های سنی است، یا مردان متفاوت از زنان هستند، یا جوانان بیش از بزرگسالان در معرض هجوم جهانی‌سازی هستند، و آنگاه هر یک از این فرضیه‌ها را آزمود. فرضیه اساسی پژوهشی ما آن بوده است که ارزشهای فرهنگی بیگانه و جهانی‌سازی که در میان نوجوانان و

جوانان رواج می‌یابد، بیش از همه در نظام ارزشی آنان تأثیر می‌گذارد و به تدریج که آنان به جامعه بزرگسالان وارد می‌شوند و اهرمهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را به دست می‌گیرند، به صورت یک عامل درونی نیرومند در تغییر نظام ارزشی جامعه ایفای نقش می‌کنند. در حال حاضر شاهد هستیم، و تحقیقات پیشین ما نیز (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱) نشان می‌دهد، که گسترش فشارهای جهانی‌سازی، عملکرد رسانه‌های جهانی و قدرت‌گیری نظام اقتصادی - اجتماعی مدرن در ایران، طبقه اجتماعی جدیدی را پدید آورده که خود در پی تغییر نظام ارزشی کودکان و نوجوانان و جوانان، خاصه دانش‌آموزان و دانشجویان است. تحقیقات دیگر نیز (از جمله: برجلی، ۱۳۷۹؛ سعادت، ۱۳۷۵؛ طالبی، ۱۳۷۵؛ خنجری، ۱۳۷۲؛ گیلک، ۱۳۷۲؛ و شمسیان، ۱۳۷۱) نشان می‌دهد که محتوای ارزشی، نظام ارزشی، و ترجیح ارزشی گروههای وسیعی از جوانان متفاوت از انتظاراتی است که بزرگسالان متعهد به ارزشهای کلاسیک و ملی ما دارند. میزان تفاوت و تعارض نسلیها را نیز از همین زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد.

به این ترتیب، فرض ما در طرح پژوهشی "بررسی تأثیر نحوه نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت آنان" این است که، با وجود ثبات نسبی تاریخی نظام ارزشی در جامعه و فرهنگ ایرانی، این ثبات به دلیل هجوم ارزشهای جهانی‌سازی از بیرون و به دلیل سستی پایه‌های سنت‌گرایی و ندانم‌کاریها و بدفهمیها و خطاکاریهای موجود در درون، دچار تزلزل شده است و جوانان کشور، به‌ویژه آنان که به تحصیلات بالاتر دست می‌یابند، بیشتر در معرض این تزلزل هستند. به بیان دیگر، اجزای نظام ارزشی و کلیت این نظام در میان جوانان ایران در تغییر و تحول است و به دلیل فقدان یک نظام ارزشی نیرومند مبتنی بر حکمت و خرد و دانش، برای هویتهایی که در حال حاضر در میان نوجوانان و جوانان شکل می‌گیرد آینده روشنی پیش‌بینی نمی‌شود. تغییر و تحولات کنونی نیز با دشواریهای گوناگون در خانه و مدرسه و جامعه همراه است و سبب شده است که گروهی از جوانان از گذشته فرهنگ ملی خود جدا و جذب تغییر و تحولات جدید شده و حتی به اغتشاش و سردرگمی در هویت تاریخی و جهانی و ملی دچار شده‌اند.

موضوع هویت فرهنگی و ملی و اجتماعی و روان‌شناختی نوجوانان و جوانان مهمترین مسأله - ای است که جامعه ما درگیر آن است و ضروری است از جهات گوناگون مورد بررسیهای دقیقتر قرار گیرد و ابزارهای مناسب برای سنجش آن نیز ساخته شود. مقیاسی که ما برای سنجش نظام ارزشی تهیه کرده‌ایم می‌تواند تا اندازه قابل توجهی پاسخگوی این نیاز اساسی باشد و اطلاعات لازم را برای آزمون فرضیه‌هایی از نوع آنچه ذکر شد در اختیار ما قرار دهد.

### مقیاس سنجش نظام ارزشی

مقیاس سنجش نظام ارزشی، بر اساس مبانی نظری ارائه‌شده در این مقاله و به‌صورت پرسشنامه‌ای که حاوی ۴۵+۹۰ پرسش برای سنجش ده مقوله پایه‌ای در نظام ارزشی مشخص در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی، و جهانی است ساخته شده و روی یک نمونه آزمایشی ۵۶۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به اجرا درآمده است تا، علاوه بر روایی محتوا و روایی سازه آن که از طریق بررسی‌های نظری و تخصصی تأمین شده بود، با کمک مطالعات تحلیل عاملی روی نتایج حاصله، روایی آن از جنبه تحلیل آماری نیز مورد اطمینان قرار گیرد.

با استفاده از این مقیاس، و به شرحی که ذیلاً توضیح داده می‌شود، به دو گروه از اطلاعات (یکی ترجیح ارزشی در ده مقوله مورد نظر و دیگری شدت جهت‌گیری ارزشی در هر یک از این مقولات) دسترسی پیدا می‌کنیم. همان‌گونه که در ۴۵ سؤال اصلی پرسشنامه مشاهده می‌شود، هر یک از سؤالات (که خود دارای دو سؤال تکمیلی نیز هست) دارای یک تقابل ارزشی دوگانه است. ترکیب کامل این تقابلها در ۴۵ مورد (ماتریس تقابلی شماره ۱)، به صورت زیر نشان داده شده است. اصل پرسشنامه (که مجموعه‌ای از ۴۵ سؤال مذکور به‌علاوه ۹۰ سؤال تکمیلی است) در بخش آزمونها ارائه شده است.

جدول ۱- ماتریس تقابلی ده مقوله نظام ارزشی پایه‌ای

	ب- خانوادگی	ج- اقتصادی	د- سیاسی	ه- اجتماعی	و- هنری	ز- علمی	ح- دینی	ط- ملی	ی- جهانی
الف- فردی	الف / ب	الف / ج	الف / د	الف / ه	الف / و	الف / ز	الف / ح	الف / ط	الف / ی
ب- خانوادگی		ب / ج	ب / د	ب / ه	ب / و	ب / ز	ب / ح	ب / ط	ب / ی



ج- اقتصادی		ج / د	ج / هـ	ج / و	ج / ز	ج / ح	ج / ط	ج / ی
د- سیاسی			د / هـ	د / و	د / ز	د / ح	د / ط	د / ی
هـ- اجتماعی				هـ / و	هـ / ز	هـ / ح	هـ / ط	هـ / ی
و- هنری					و / ز	و / ح	و / ط	و / ی
ز- علمی						ز / ح	ز / ط	ز / ی
ح- دینی							ح / ط	ح / ی
ط- ملی								ط / ی

تعداد ترجیح‌های پاسخگویان در ۴۵ سؤال اصلی (با در نظر گرفتن موارد مربوط به هر ارزش) بیانگر ترجیح ارزشی آنان است. مثلاً اگر کسی شش مورد ارزشهای فردی، پنج مورد ارزشهای خانوادگی، پنج مورد ارزشهای اقتصادی، دو مورد ارزشهای سیاسی، پنج مورد ارزشهای اجتماعی، چهار مورد ارزشهای هنری، سه مورد ارزشهای علمی و نظری، شش مورد ارزشهای دینی، شش مورد ارزشهای ملی، و سه مورد ارزشهای جهانی را در پاسخ به سؤالات ترجیح داده باشد، نظام ترجیحی ارزشی وی، به ترتیب اهمیت، به شرح زیر خواهد بود:

با محاسبه‌ای ساده از ترجیح‌های مذکور (یعنی با تقسیم تعداد ترجیح‌های مربوط به هر یک از ارزشها به کل ده ترجیح موجود، ضربدر صد)، می‌بینیم که در مورد شخص فوق که به مقیاس پاسخ داده است ارزشهای فردی، ارزشهای دینی، و ارزشهای ملی به عنوان ترجیح درجه اول (با نمره ۶۰ درصد)؛ ارزشهای خانوادگی، ارزشهای اقتصادی، و ارزشهای اجتماعی به عنوان ترجیح درجه دوم (با نمره ۵۰ درصد)؛ ارزشهای هنری به عنوان ترجیح درجه سوم (با نمره ۴۰ درصد)؛ ارزشهای علمی و نظری، و ارزشهای جهانی به عنوان ترجیح درجه چهارم (با نمره ۳۰ درصد)؛ و ارزشهای سیاسی به عنوان ترجیح درجه پنجم (با نمره ۲۰ درصد) به حساب می‌آیند.

علاوه بر "ترجیح‌های ارزشی" پاسخگویان، می‌توان "شدت جهت‌گیری ارزشی" آنان را نیز مورد سنجش قرار داد. از آنجا که هر یک از سؤالات مقیاس ما دارای درجه‌بندی شش‌گانه خیلی زیاد (با نمره شش)، زیاد (با نمره پنج)، نسبتاً زیاد (با نمره چهار)، نسبتاً کم (با نمره سه)، کم (با نمره دو)، و خیلی کم (با نمره یک) است، در این مورد مجموع نمره‌هایی که فرد در یک ارزش معین به دست آورده بیانگر شدت جهت‌گیری ارزشی او در مقوله ارزشی مورد نظر است. مثلاً اگر کسی در نه سؤال ارزشهای هنری نمره‌های شش، چهار، پنج، دو، سه، چهار، چهار، سه، و پنج را

به دست آورده باشد، شدت جهت‌گیری ارزشهای هنری وی معادل سی و شش نمره از پنجاه و چهار نمره (یعنی دارای شدت ارزشی ۶۷ درصد) خواهد بود.

در ادامه محاسبات مذکور و پس از تعیین ترتیب ترجیحهای ارزشی و تعیین شدت جهت‌گیری هر یک از ارزشهای دهگانه، می‌توانیم نیمرخ نظام ارزشی فرد را تهیه کنیم. همچنین، در شرایطی که به اندازه‌گیری نظام ارزشی یک گروه معین پرداخته باشیم، قادر خواهیم بود، نیمرخ گروهی نظام ارزشی را نیز تهیه و هر یک از افراد را با نظام ارزشی هنجاری در گروه مربوطه مقایسه کنیم. کلید پاسخ ۴۵ سؤال پرسشنامه، که به منظور نمره‌گذاری نظام ترجیحی ارزشی پاسخگویان تهیه شده، در ماتریس ۲ نشان داده شده است. تعیین شدت ترجیحهای ارزشی هر یک از ارزشهای دهگانه با استفاده از نمره‌های یک تا شش مقیاس در ۹۰ سؤال تکمیلی صورت می‌گیرد.

جدول ۱- ماتریس تقابلی پاسخها در ده مقوله نظام ارزشی پایه‌ای (اعداد، شماره سؤالات پرسشنامه‌اند)

	ب- خانوادگی	ج- اقتصادی	د- سیاسی	ه- اجتماعی	و- هنری	ز- علمی	ح- دینی	ط- ملی	ی- جهانی
الف- فردی	۱	۴	۶	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸
ب- خانوادگی		۳۶	۳۸	۴۰	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۳۴
ج- اقتصادی			۴۱	۳۹	۳۵	۲۹	۱۱	۲۱	۳۲
د- سیاسی				۳۷	۳۳	۲۷	۹	۱۹	۳۰
ه- اجتماعی					۳۱	۲۵	۷	۱۷	۲۸
و- هنری						۲۳	۵	۱۵	۲۶
ز- علمی							۳	۱۳	۲۴
ح- دینی								۲	۲۲
ط- ملی									۲۰

### تحلیلهای آماری سؤالات آزمون

به منظور تعیین روایی<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> مقیاس سنجش نظام ارزشی

<sup>۱</sup> - Validity

<sup>۲</sup> - Reliability

آزمودنیهای مرحله اول پژوهش که مقیاس سنجش نظام ارزشی روی آنان اجرا شده، شامل یک نمونه آماری<sup>۱</sup> تصادفی ۵۶۸ نفری از دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر تهران بوده است. مطالعات تعیین پایایی ابزار تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای کلیه سؤالات هریک از ارزشهای مورد مطالعه صورت گرفت. روشهای شناخته‌شده محاسبه پایایی (شامل Cronbach Alpha، و Split-half Reliability) برای تعیین ضریب پایایی مورد استفاده قرار گرفت و میانگین مقادیر پایایی با دو روش مذکور و برای مجموعه ارزشهای مورد مطالعه در تحقیق معادل ۰/۸۳ به دست آمد. جدول ۳ نشان‌دهنده میزان پایایی هر گروه از سؤالات ده ارزش مورد مطالعه و کل سؤالات مقیاس است.

جدول ۳- مقادیر پایایی برای کل مقیاس و ده ارزش مورد مطالعه

ارزشها	فردی	خانوادگی	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	هنری	علمی	دینی	ملی	جهانی‌شدن	کل مقیاس
پایایی	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۷۶	۰/۷۲	۰/۸۰	۰/۹۱	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۷۷	۰/۸۳

برای تحلیل عاملی داده‌ها نیز، ابتدا یک مجموعه ۶۳ سؤالی (شامل سؤالات موجود در پرسشنامه و سؤالاتی که پس از تحلیل عاملی از مقیاس حذف شدند) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ۱۸ سؤال از این مجموعه، به دلیل قدرت تشخیص ناکافی، کنار گذاشته شد و عملیات برای ۴۵ سؤال باقیمانده ادامه یافت. به منظور تعیین قابلیت ۴۵ سؤال مقیاس سنجش نظام ارزشی برای تحلیل عاملی، آزمون KMO انجام شد که ضریب به دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود ( $KMO = 0.812$ ). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح  $P < 0.0001$  معنا-دار بود ( $\chi^2 = 8255/14$ ). علاوه بر این، در تحلیل عاملی مورد بحث از روش مؤلفه‌های اصلی و بارهای عاملی 0.50 برای حداقل همبستگی قابل قبول میان هر ارزش و عامل استخراج شده

<sup>۱</sup>- جامعه آماری این تحقیق شامل یک نمونه مقدماتی تصادفی از دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی تهران است. محاسبه جامعه نمونه را با استفاده از روشهای ارائه شده در ششمین تجدید نظر کتاب "روش تحقیق" گال، بورگ، و گال (Gall & Borg ۱۹۹۶) و با استفاده از روش ارائه شده سیمور سادمن (Seymour, 1976) انجام داده‌ایم که رقمی کمتر از ۶۰۰ نفر را شامل شده است (این رقم، برحسب سایر محاسبات آماری نمونه‌گیری، در حد فاصل احتمال خطای قابل قبول یک درصد و دو درصد است).

استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ده عامل قوی معنادار با ارزش ویژه بالاتر از ۱ (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تبیین ۷۶/۶ درصد واریانس کلی) در مقیاس ما وجود دارد. جدول شماره ۴ نتایج تحلیل عاملی را نشان می‌دهد که در آن فقط بارهای عاملی بیشتر از ۵۰ درصد ارائه شده و از ارائه ارقام مربوط به سؤالات حذفی خودداری شده است.

جدول ۴- خلاصه نتایج تحلیل عاملی مقیاس سنجش نظام ارزشی

ارزشهای جهانی شدن	ارزشهای ملی	ارزشهای دینی	ارزشهای علمی	ارزشهای هنری	ارزشهای اجتماعی	ارزشهای سیاسی	ارزشهای اقتصادی	ارزشهای خانوادگی	ارزشهای فردی	ارزشها	شماره سؤالات
۹ سؤال این عامل ۱۸/۲۲/۲۰/۱۸ ۲۴/۲۸/۲۶/۲۴ ۳۰/۳۲/۳۴	۹ سؤال این عامل ۲/۱۳/۱۵/۱۵ ۱۶/۱۷/۱۶ ۱۹/۲۰/۱۹ ۲۱/۴۵	۹ سؤال این عامل ۲/۳/۵/۷ ۹/۱۱/۹ ۱۴/۲۲/۲۲ ۴۴	۹ سؤال این عامل ۳/۱۲/۱۳/۱۳ ۲۳/۲۴/۲۵ ۲۷/۲۹/۴۳ ۴۴	۹ سؤال این عامل ۵/۱۰/۱۵/۱۵ ۲۳/۲۶/۲۳ ۳۱/۳۳/۳۱ ۳۵/۴۲	۹ سؤال این عامل ۷/۸/۱۷/۲۵ ۲۸/۳۱/۳۷ ۲۸/۳۰/۳۷ ۳۹/۴۰	۹ سؤال این عامل ۶/۹/۱۹/۲۷ ۳۰/۳۳/۳۷ ۳۸/۴۱ ۳۸/۴۱	۹ سؤال این عامل ۴/۱۱/۲۱/۲۹ ۲۹/۳۲/۳۵ ۳۶/۳۹/۴۱ ۳۶/۴۱	۹ سؤال این عامل ۱/۳۴/۳۶/۳۶ ۳۸/۴۰/۴۲ ۴۳/۴۴/۴۵ ۴۳/۴۴	۹ سؤال این عامل ۱/۴/۸/۱۲ ۱/۱۲/۱۰/۱۲ ۱۴/۱۶/۱۶ ۱۴/۱۶	۱	۱۸
۰/۷۶۱	۰/۶۸۶	۰/۸۶۳	۰/۶۸۸	۰/۷۴۸	۰/۶۲۰	۰/۵۶۶	۰/۷۹۴	۰/۵۳۹	۰/۷۶۴	۱	
۰/۷۲۴	۰/۶۵۰	۰/۸۰۸	۰/۶۷۸	۰/۸۴۵	۰/۸۱۱	۰/۵۴۴	۰/۶۴۳	۰/۶۱۵	۰/۶۹۸	۲	
۰/۵۸۸	۰/۵۲۲	۰/۸۲۵	۰/۷۱۷	۰/۵۶۷	۰/۵۰۴	۰/۷۳۷	۰/۷۷۷	۰/۸۵۰	۰/۶۴۵	۳	
۰/۵۵۹	۰/۷۱۹	۰/۷۴۷	۰/۸۵۵	۰/۵۲۰	۰/۵۴۴	۰/۶۷۶	۰/۶۶۸	۰/۷۲۴	۰/۸۱۴	۴	
۰/۷۳۴	۰/۶۵۶	۰/۷۳۷	۰/۶۴۲	۰/۷۰۲	۰/۷۴۵	۰/۶۶۳	۰/۷۱۲	۰/۸۴۴	۰/۵۳۲	۵	
۰/۵۳۰	۰/۸۷۲	۰/۶۲۴	۰/۷۸۰	۰/۵۰۹	۰/۸۷۹	۰/۷۷۲	۰/۸۱۵	۰/۷۵۴	۰/۷۲۳	۶	
۰/۷۳۹	۰/۸۱۳	۰/۶۵۶	۰/۹۱۶	۰/۶۶۲	۰/۶۱۳	۰/۶۴۱	۰/۵۲۴	۰/۵۲۵	۰/۷۸۱	۷	
۰/۷۶۶	۰/۷۹۰	۰/۵۹۱	۰/۷۶۰	۰/۸۵۱	۰/۵۵۶	۰/۷۵۰	۰/۷۹۳	۰/۷۴۱	۰/۸۲۱	۸	
۰/۵۴۸	۰/۶۶۲	۰/۵۴۵	۰/۷۸۲	۰/۶۱۵	۰/۵۴۶	۰/۸۱۲	۰/۷۱۹	۰/۵۴۷	۰/۶۴۴	۹	

Extraction Method: Principal Component Analysis  
Rotation Method: Warimax with Kaiser Normalization

Rotation Converged in 10 Iterations

با توجه به تحلیلهای به عمل آمده می‌توان دانست که مقیاس ۴۵ سؤالی سنجش نظام ارزشی به ده عامل تقلیل می‌یابد که با ساخت مقیاس هماهنگ است و می‌توان این مقیاس را برای سنجش نظام ارزشی به کار برد. در ادامه پژوهش خود با عنوان "بررسی تأثیر نحوه نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت آنان" به وضعیت نظام ارزشی جوانان دانش‌آموز و تأثیری که نگرش آنان به پدیده "جهانی شدن" بر محتوای نظام ارزشی، ترجیحه‌های ارزشی، و شدت ترجیحه‌های ارزشی آنان می‌گذارد، پرداخته‌ایم.

## فهرست منابع

- استیگلیتس، جوزف (۱۳۸۲). جهانی‌سازی و مسائل آن (ترجمه حسن گلریز). تهران: نشر نی.
- برجلی، محمود (۱۳۷۹). رابطه بین ویژگیهای شخصیتی نوجوانان و نظام ارزشی آنها با تأکید بر ارزشهای مذهبی و عمل به باورهای دینی. فصلنامه نیایش، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۷۹.
- پالاست، گریگ (۱۳۸۲). بهترین دموکراسی که با پول می‌توان خرید: یک گزارش تحقیقی که پرده از حقیقت جهانی‌سازی شرکتهای بزرگ و غولهای مالی جهان برمی‌دارد (ترجمه رضا افتخاری). تهران: نشر رسا.
- خنجری. مسلم (۱۳۷۲). بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و ساختار ارزشی دانشجویان دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، و امام حسین (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رفیعی فنود، محمد حسین (۱۳۸۱). آن سوی جهانی‌سازی. تهران: انتشارات شابک.
- سعادت، عبدالمجید (۱۳۷۵). سلسله مراتب ارزشها نزد جوانان قوچان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (جامعه‌شناسی). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- شمسیان، داوود (۱۳۷۱). بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان پسر و دختر شهر تهران. مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۷۵). ضعفهای ساختاری در نظام فرهنگی و تأثیر آن بر بیگانگی ارزشی جوانان. دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. قاهره: دارالکتب المصریه.
- فاکس، جرمی (۱۳۸۱). چامسکی و جهانی‌سازی. تقابلهای پسامدرن (ترجمه مزدک اندیشه). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گیلک، عبدالأمیر (۱۳۷۲). سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر. دانشگاه تهران.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). رشد اخلاقی، ارزشی، و دینی در نوجوانی و جوانی تهران: انتشارات شابک.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات شابک.

تقیب‌السادات، رضا (۱۳۸۲). جهانی‌سازی. تهران: انتشارات شابک.

Ainger, Katharine. (Nov. 2001). A culture of Life, a culture of death. (Anti-Globalization Movement). *New Internationalist*.

Allport, Gordon W. ; Wernon, Philip E.; & Lindsey, Gardner (1960). Study of values. Boston: Houghton Mifflin.

Birkhead, Ceres. (April 2002). Globalization, Identity and Democracy: Mexico and Latin America. *School Library Journal* .

Bukovansky, Mlada. March (2000). National Collective Identity: Social Constructs and International Systems. *American Political Science Review*.

Burbules, Nicholas C. and Torres, Carlos Alberto, eds. (2000) Globalization and Education: critical perspectives. Routledge.

Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). What do globalization mean for educational change? A comparative approach. *Comparative Education Review*, 46, 1.

Chaney, M. & Martin, C. (2000). International business communication contrasting cultural values. 2<sup>nd</sup> Ed. N.J.: Prentice Hall.

Daun, H. (2002), Globalization and national education system; In "Educational restructuring in the context of globalization and national policy. New York: Routledge Falmer.

Fass, Paula S. (Summer, 2003). Children and globalization. *Journal of Social History*.

Featherstone, M. (1995). *Undoing culture: Globalization, postmodernism, and identity*. Sage Publishers.

Gall, M. D.; Borg, W. R.; & Gall, P. G. (1996). *Educational Research*, 6<sup>th</sup> Edition. Longman Publishers.

Gerle, Elisabeth. (April 2000). Contemporary Globalization and its Ethical Challenges. *Ecumenical Review*.

Hall, Rodney Bruce. (1999). *National Collective Identity: Social Constructs and International Systems*. New York: Columbia University Press.

Henry, M.; Lingard, B.; Rizvi, F.; & Taylor, S. (2001). *The OECD, Globalization, and Educational policy*. Unesco, Paris.

Inglehart, Ronald (2000). *Globalization and postmodern values*. The Center for Strategic and International Studies of the Massachusetts Institute of Technology.

Inglehart, Ronald (1999). *World Values Survey*. Institute for Social Research. The University of Michigan.

Inglehart, Roland (1997). *The silent revolution: Changing values and political styles in advanced industrial society*. Princeton, N.J.: Princeton University Press.

Marginson, S. (1999). *After globalization: Emerging politics of education*. [www.Epdil.Jogs/](http://www.Epdil.Jogs/)

Markoff, J. (1998). *Globalization and the future of democracy*. Paper presented at 14<sup>th</sup> World Congress of Sociology, Montreal, Canada.

McGowen, Angela C. (1998). *A comparison of the religious values of college students in high school verses college*. *Psychology Loyala University*. New Orleans. Sponsored by Mukul Bhalla ([bhalla@loyno.edu](mailto:bhalla@loyno.edu))

Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: The Free Press.

Sudman, Seymour (1976). *Applied sampling*. New York: Academic Press.

Sweeting, A. (1996). The globalization of learning: Paradigm or paradox? *International Journal of Educational Development*. Vol. 16, 4.

Thomas, George M.. (Winter, 2001). Religions in global civil society. *Sociology of Religion*.

Tierney, S. (Ed.) (2000). *Accommodating national identity: New approach in international and domestic law*. Boston: Kluwer Law International.

Witte, J. (2000). Education in Thailand after the crisis: A balancing act between globalization and national self-contemplation. *International Journal of Educational Development*. Vol. 10, 3.

Zetterberg, Hans, L. (1997). *The study of values*. Stockholm. Value Scope AB.